

دکتر جبلی در بازدید از پشت صحنه سریال «آزادی مشروط» تأکید کرد

لرزم نمایش افتخارات و دستاوردهای کشور

دکتر پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیما روز گذشته با حضور در باغ موزه قصر از پشت صحنه سریال «آزادی مشروط» به کارگردانی مسعود ده نمکی بازدید کرد و شاهد ضبط سکانسی از این سریال شد. در این دیدار محسن برمهانی معاون سیما، جواد رمضان نژاد رئیس مرکز سیما فیلم و...



{ ۶ }

نگاهی به اهمیت روند قانونی صادر نکردن پروانه نمایش برای فیلم «برادران لیلیا»

مقابله با سلاخی فرهنگ به دست قانون شکنان

فیلم «برادران لیلیا» حلقه محاصره‌ای است برای القای یک وضعیت بغرنج، طولانی و جعلی از شرایط ایران. آنچه در درام به ظاهر ساده فیلم روستایی به چشم می‌خورد کاراکترسازی براساس موقعیتی استعاری از ایران کنونی است. لیلیایی که به پای تمام بی‌کفایتی‌های پدر و برادرانش می‌سوزد و لاجرم درگیر تصمیمات ...



{ ۹ }

گفت‌وگو با محمود محمودی تهیه‌کننده برنامه «هفت ترانه»

محفلی برای اهالی موسیقی نواحی

آنچه سازندگان «هفت‌ترانه» را- برنامه‌ای در حوزه موسیقی که از شبکه شما روی آنتن می‌رود - به فکر راه‌اندازی جشنواره «نوترانه» انداخت، نبود رویدادی تخصصی برای استعدادیابی در میان علاقه‌مندان به موسیقی نواحی بود و این‌طور شد...

{ ۸ }

قالب محبوب شاعران آینده:

خواندن رباعی هم حوصله می‌خواهد



{ ۱۰ }

رضا نصیری

تهیه‌کننده برنامه تهمت:

جای ورزش مهیج در تلویزیون خالی بود

مسابقه‌بزرگ تهمت به تهیه‌کنندگی رضانصیری با هدف تقویت فرهنگ پهلوانی، ترویج زندگی سالم، تهیه و روانه آنتن شده است. این مسابقه با حضور ۲۵۶ ورزشکار...



{ ۷ }

بازار

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

یکشنبه ۵ تیر ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۲۴۶

یادداشت

هنوز هم انرژی روزهای اول را دارم



مصطفی طاری

بازنگر تلویزیون و سینما

هر بازنگری تفکرات و ذهنیات خاص خودش را دارد. بازنگری که تجربه داشته‌باشد، در هر کاری بازی نمی‌کند و برای دیده‌شدن به هر کیفیتی تن نمی‌دهد. چون می‌داند اگر یک بار خطا کند، شاید بشود رفع و رجوع کند؛ ولی اگر چند کار اشتباه و بی‌کیفیت را ببپذیرد، یقین بدانید شکستش حتمی است.

بازنگر باتجربه پله پله جلو می‌رود و نقش را آنالیز می‌کند و بعد از تحلیل نقش، بر کلیت فیلمنامه سپس عوامل دخیل در تولید تمرکز کرده و پیش خود محاسبه می‌کند آیا ایفای این نقش می‌تواند به او کمک کند و یک پله هم که شده، بالاتر ببردش یا خیر. البته هر که از راه رسید نمی‌تواند همین را هم تحلیل کند

و نتیجه کار را حدس بزند. خود من از دهه ۵۰ با حضور در دانشکده هنرهای دراماتیک و یادگیری از بزرگانی نظیر حمید سمندریان و

بازی برای کارگردان‌های صاحب‌سبکی مثل عباس کیارستمی توانستم در کارم به توفیق برسم و بعدتر هم برابرم رسانه فرق نداشت، بلکه آنچه اهمیت داشت، کیفیت فیلمنامه بود.

من با همان انرژی و رغبتی که برای بازی در فیلم گزارش عباس کیارستمی بازی کردم، برای بازی در سریال مختارنامه داوود میرباقری

هم انرژی گذاشتم و همان قدر برای سریال تنگ‌سرپر امرآ... احمدجو یا معصومیت از دست‌رفته میرباقری، انرژی گذاشتم چون برای

مخاطبم ارزش قائل هستم. دنبال رست‌های شبه‌روشنفکرانه نبودم و برای همین بهترین

نقش‌هایم را در سریال‌های تلویزیونی بازی کردم و همین حالا بسیاری از مردم مرا بابت بازی در

سریال‌هایی می‌شناسند که برای تلویزیون بازی کردم ولی باید تهیه‌کننده تلویزیون هم بداند

برای چه رسانه مهمی مشغول کار است. اگر تهیه‌کننده‌ای که می‌خواهد برای تلویزیون

کار کند، این رسانه را جدی نگیرد و درک نکند که پا به چه عرصه فراگیری گذاشته‌است احتمال

زیاد شکست می‌خورد چون در تلویزیون، شاید ساخت کار راحت‌تر باشد ولی موفق شدن یعنی

ساختن کار ماندگار خیلی خیلی سخت‌تر است. استفاده از بازیگران کاربلد در سریال‌های

تلویزیونی را باید جدی گرفت. البته گاهی تهیه‌کننده بهانه می‌آورد که بازیگران کاربلد

سختگیر هستند اما من می‌گویم شما سهیل‌گیر شده‌اید. تهیه‌کننده سختگیر حتماً متن خوبی

را آماده می‌کند و با جدیت و حرفه‌ای‌گری، پیش می‌رود، چه معنی دارد برخی باب کرده‌اند کار

تلویزیون را نباید جدی گرفت مخاطب بیچاره را چه فرض کرده‌اند. الان اغلب سریال‌ها از

داستان خوب و جذابی بهره نمی‌برند و اغلب شاهد داستان‌های مونوتن و بدون اوج و فرود

دراماتیک هستیم. باید از نویسندگان حرفه‌ای و امتحان پس داده با هدایت یک کارگردان متفکر

در تولیدات تلویزیونی بهره برد و آن گاه بازیگران کاربلد نیز به راحتی قبول نقش می‌کنند و نتیجه

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

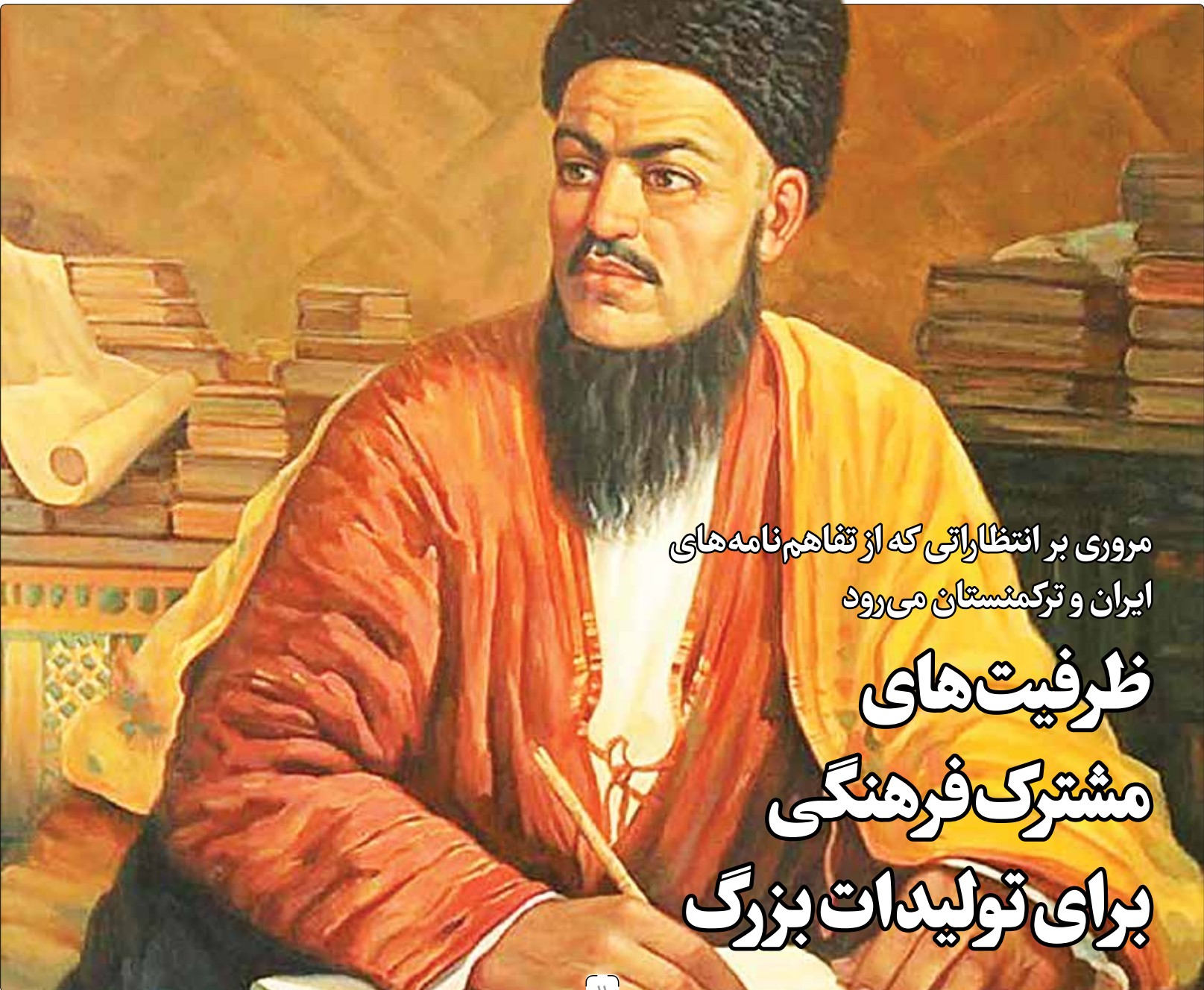
تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.

تولید سریال خوب در دسترس خواهد بود.



{ ۱۱ }

مروری بر انتظاراتی که از تفاهم‌نامه‌های

ایران و ترکمنستان می‌رود

ظرفیت‌های مشترک فرهنگی

برای تولیدات بزرگ

گزارش

در یک نشست کارشناسی عنوان شد

«سلام فرمانده» فراتر از نظریه‌های جامعه‌شناختی

فرمانده را در ترازویی بگذارد که بخواهد با ملاحظه مقایسه‌کند.»

این دانش‌آموخته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران با بیان این‌که از نظر من سلام فرمانده متعلق به اشعار کودکانه عامه‌پسند است، ادامه داد: من در فرهنگ عامه بودنش

تحقیف و تحقیری هم نمی‌بینم. مساله، طبقه‌بندی امور است. وی با تأکید بر این‌که اگر به موقعیتی رسیدیم که از دل بدنه مذهبی ما یک کار می‌تواند بپوشد که

خصوصیات عامه‌پسند را پیدا کند باید به‌مثابه دستاورد یا آن برخورد کرد نه به‌مثابه نشانه زوال و انحطاط. افزود:

مهم‌ترین نکته من در کل این دعوای این است. ما باید داشته‌های جمعی، جبهه‌ای، ملی و تمدنی خودمان را

به‌جایی بیاوریم و به رسمیت بشناسیم و متأسفانه این کار را نمی‌کنیم. صفارهرندی در ادامه این نشست با

بیان این‌که آکادمی ما عار دارد از این‌که تجربه‌های خودمان را مورد مطالعه قرار دهد، گفت: بخشی هم ناشی از

سوءگیری ایدئولوژیک است یعنی آنقدر از این پدیده دلخور و ناراحت است که

دلش نمی‌خواهد حتی به‌عنوان یک موضوع آن را بررسی کند. علیراده در ادامه صحبت‌های صفارهرندی ضمن

نقد پروپاگاندا دانستن سلام فرمانده به تشریح مفهوم پروپاگاندا پرداخت و گفت: پروپاگاندا مفهومی است که

از فضای علوم اجتماعی و ارتباطاتی سال‌های قبل و بعد از جنگ جهانی دوم بیرون آمده است. بستر آن زمان



مشکل این است که جامعه‌شناس مقلد ما نمی‌تواند با تجربه‌زنده جامعه خودش مواجه شود و در موردش تأمل کرده و به آن فکر کند به همین دلیل هم سریع آن را به جامعه توده‌ای تشبیه می‌کند

«در همین اجرای سلام فرمانده در استادیوم آزادی، حال و هوا کاملاً خانوادگی بود. پدر و مادرهای عمدتاً دهه پنجاهی و دهه شصتی که دست بچه‌های دهه

هشتادی و نودی را گرفته بودند و به استادیوم آمده بودند. حال و هوا خیلی شبیه حال و هوای شرکت در

مجالس مذهبی بود. با مشقت هم همراه بود اما کسی غر نمی‌زد و ناراحت نبود. حالی شبیه حال قصد قربت بود.

تنوع تیپ و تنوع سبک زندگی به‌نحو خوبی قابل لمس بود و مثلاً این شکلی نبود که حجاب و ظواهر همه ایده‌آل

و مذهبی و حزب‌اللهی باشد، هرچند فضای غالب این بود. حسین بشیریه، انقلاب اسلامی را با جامعه توده‌وار

توضیح می‌دهد. سؤال اینجاست که این چه نوع انقلابی است که شبکه جدی نداشته و همه چیزش همین شبکه

روابط درون جامعه مثل مسجد و هیأت و دوستان و بچه محله‌ای‌ها و خانواده‌ها بوده؟! اینها که درست نقطه

مقابل توده هستند! مشکل این است که جامعه‌شناس مقلد ما نمی‌تواند با تجربه زنده جامعه خودش مواجه

شود و در موردش تأمل کرده و به آن فکر کند، به همین دلیل هم سریع آن را به جامعه توده‌ای تشبیه می‌کند که

هیچ ربطی به زمینه بحث ما ندارد.»

چطور می‌شود از بطن چنین بستری رای به تأثیرگذاری مطلق پروپاگاندا داد؟ آکادمیسین و تحلیلگر ما وقتی

اینها را نادیده می‌گیرد همان نسخه‌ای را برای مخاطب امروز می‌بندد که برای مخاطب ۷۰ سال پیش بسته بود.

صفارهرندی با تشریح تجربه خود از حضور در مراسم جمع‌خوانی این سرود در استادیوم آزادی گفت:

سلام فرمانده در ذیل ارتباطات آیینی

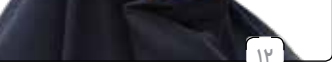
علیراده: علمای ارتباطات که با پروپاگاندا و نظریه تریبکی، رفتار توده‌ای آلمان زمان هیلتر را توجیه می‌کردند، بعدها و به خصوص در جوامع غیرغربی با پدیده‌هایی روبه‌رو شدند که به هیچ‌وجه با این نظریه‌ها قابل فهم نبود. اینها با پدیده‌هایی روبه‌رو شده بودند که دیتی خاصی بین فرستنده و گیرنده منتقل نمی‌شد اما آدم‌ها را دورهم جمع می‌کرد.

به همین علت از واقعیتی که در جریان بود تئوری‌های دیگری مانند همین مکتب ارتباطات آیینی را استخراج کردند. در چنین پدیده‌های جمعی فرد با شرکت ارادی در این رویداد، خودش را به یک مفهوم و هویت گره می‌زند. آیین‌های عاشورایی هم همین کار را می‌کنند. به نظر من وقتی یک اثر عامه‌پسند مذهبی و انقلابی موفق به خلق یک کنش کلان معرفتی و اجتماعی در فضاها متفاوت جغرافیایی می‌شود و باعث شده تا افرادی را که هزاران کیلومتر با هم فاصله دارند، به هم متصل کند به‌شدت ارزشمند است و باید به آن دمدید، به خصوص وقتی این را مدنظر قرار دهیم که ما در عصری زندگی می‌کنیم که همه ابزارهای تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی در خدمت غفلت ابنا‌ی بشر قرار گرفته‌اند.

بررسی چالش‌های حوزه مد و لباس در گفت‌وگو با یک عضو هیات علمی دانشگاه

منبع الهام در مد و لباس کم نداریم

ما در حوزه مد و لباس در کشورمان روی یک دور باطل افتاده‌ایم و گرفتار نوعی بی‌برنامگی و دستیابی‌چگی شده‌ایم. نتیجه این‌که بسیاری از مشتریان با دست خالی یا دل‌های چرکین از خرید لباس بازمی‌گردند...



{ ۱۲ }